

## شبکه‌های ماهواره‌ای و تلاش برای شکست گفتمان انقلاب اسلامی

سارا فلاحی\*

### چکیده

شکست غرب در تقابل سخت‌افزاری با گفتمان انقلاب اسلامی، باعث شد تا این جبهه تمام قدرت خود را در عرصه نرم‌افزاری به کار گیرد که از هژمونیک شدن گفتمان انقلاب اسلامی جلوگیری کند. رسانه‌های جمعی و در رأس آنها شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان و وابسته یکی از مهم‌ترین ابزارهای غرب در این تقابل گفتمانی هستند. نوشتار حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال مهم و اساسی است که شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان معاند چگونه می‌خواهند گفتمان انقلاب اسلامی را دچار بی‌قراری نمایند؟ در پاسخ به سؤال فوق این فرضیه محوری مطرح است که شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان معاند، به دنبال ساختار شکنی از دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی، یعنی اسلام هستند تا از این طریق گفتمان انقلاب اسلامی را دچار بی‌قراری و از چاشدگی کنند.

### واژگان کلیدی

ماهواره، هژمونی، گفتمان، انقلاب اسلامی، بی‌قراری.

### مقدمه

گفتمان انقلاب اسلامی، هم در عرصه نظری و هم در عرصه عملی گفتمان غرب را با چالش‌های جدی مواجه ساخت و این مهم باعث شد تا غرب به رهبری آمریکا تمام تلاش خود را صرف کند تا نگذارد گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه خاورمیانه به شکل خاص و در جهان به شکل عام در منزلت هژمونیک قرار گیرد. در این راستا از بدو پیروزی انقلاب تاکنون جبهه‌های مختلفی از جنگ علیه آن گشوده است؛ در جبهه سخت‌افزاری جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، در حوزه جنگ نیمه‌سخت، تحریم‌های سیاسی و اقتصادی و در

arta\_tirdad2000@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۲۵

\*. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد ایلام.

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۱۸

حوزه نرم‌افزاری، جنگ رسانه‌ای و روانی، نمونه‌هایی از جبهه‌های نبردی است که غرب علیه انقلاب اسلامی مدیریت کرده است. با توجه به ناکامی در جبهه سخت و نیمه سخت، غرب نیز استراتژی خود را تغییر داده است و جنگ را از حوزه نبردهای فیزیکی و تسلیحاتی به حوزه امواج و آنتن‌ها منتقل کرده است تا گفتمان انقلاب اسلامی را دچار بی‌قراری و از جاشدگی کند. گفتمان غرب در این نبرد نرم‌افزاری با شناخت دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی یعنی اسلام، در پی ساختارشکنی از آن است و به همین دلیل در تلاش است تا با واسازی دال‌های مهم گفتمان انقلاب اسلامی، آن را با شکست هژمونی مواجه سازد. در شرایط کنونی رسانه‌های جمعی از جمله ماهواره یکی از مهم‌ترین ابزار آمریکا و غرب برای فروپاشی گفتمان انقلاب اسلامی است. ادعای پژوهش حاضر این است که شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان معاند، درونمایه گفتمان انقلاب اسلامی و دال مرکزی آن، یعنی اسلام را نشانه گرفته‌اند تا از این طریق گفتمان انقلاب اسلامی را دچار بی‌قراری و از جاشدگی کنند. برای تبیین علمی و دقیق این نبرد گفتمانی از نظریه سیاسی لاکلاو و موفه<sup>۱</sup> پیرامون چگونگی بهره‌گیری غرب از ماهواره برای تقابل با گفتمان انقلاب اسلامی استفاده می‌کنیم.

### چارچوب نظری

به نظر لاکلاو و موفه گفتمان، حوزه‌ای است که مجموعه‌ای از نشانه‌ها در آن به صورت شبکه‌ای در می‌آیند و معنایشان در آنجا تثبیت می‌شود. (Laclau and Mouffe, 1985: 26) و از مفاهیم زیر تشکیل شده است:

#### دال و مدلول<sup>۲</sup>

دو مفهوم «دال و مدلول» در نظریه لاکلاو و موفه نقش کلیدی دارند. دال‌ها، اشخاص و مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاصی دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند، مدلول نامیده می‌شود. مدلول نشانه‌ای است که ما با دیدن آن، دال مورد نظر برایمان معنا می‌شود. (کسرای و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۳)

#### دال مرکزی<sup>۳</sup>

همه نشانه‌های مفصل‌بندی شده در یک گفتمان از ارزش برابر برخوردار نیستند و به انواع گوناگونی تقسیم می‌شوند. مهم‌ترین این نشانه‌ها «دال مرکزی» است. دال مرکزی نشانه متمایزی است که نشانه‌های دیگر حول آن انسجام می‌یابند. این دال، دال‌های دیگر را حمایت می‌کند و آنها را در قلمرو و جاذبه معنایی خود نگه می‌دارد. (سلطانی، ۱۳۸۷: ۷۷)

1. Laclau and Mouffe.
2. Signifier and signified.
3. Nodal point.

### دال‌های شناور<sup>۱</sup>

نشانه‌هایی هستند که گفتمان‌های مختلف در تلاش‌اند تا به شیوه خاص خود به آنها معنا ببخشند. دال شناور به حالتی اشاره می‌کند که نشانه در میدان مبارزه گفتمان‌های متفاوت برای تثبیت معنا، شناور و معلق است. (همان: ۷۹)

### مفصل‌بندی<sup>۲</sup>

مفصل‌بندی، عملی است که به واسطه آن روابطی میان عناصر ایجاد می‌شود به طوری که هویت اولیه آن عناصر در نتیجه مفصل‌بندی تغییر می‌کند. مفصل‌بندی و ارتباط عناصر سرگردان یک گفتمان و ایجاد واحدهای هم‌پیمان و هم‌شکل در یک گفتمان هژمونیک شده، در یک فضای نزاع‌آمیز قدرت و مقاومت صورت می‌گیرد. بنابراین مفصل‌بندی همیشه عنصری به نام زور و سرکوب را در بر می‌گیرد. (Smith, 1998: 101)

### بی‌قراری<sup>۳</sup>

از جاشدگی یا بی‌قراری، تزلزل بنیادین گفتمان‌ها را به واسطه وجود خصومت و وابستگی به غیر گوشزد می‌کنند. جایجایی‌ها، حوادثی هستند که نمی‌توانند توسط نظم گفتمانی موجود نمادپردازی شوند، لذا می‌کوشند آن نظم را متلاشی کنند. بی‌قراری‌ها نشانه زوال هژمونی گفتمان مسلط و ناتوانی آن در تفسیر واقعیت و جذب عناصر اجتماعی محسوب می‌شوند. (ibid)

### ضدیت<sup>۴</sup>

اهمیت مفهوم ضدیت در آن است که هر چیز در ارتباط با غیر هویت می‌یابد؛ چراکه اشیاء و پدیده‌ها دارای ذات و هویت ثابت نیستند و تنها در ارتباط با دیگری و ضدیتی که با آن برقرار می‌کنند هویت می‌یابند. ضدیت، عملکردی دو سویه دارد: از یک سو مانع عینیت و تثبیت گفتمان‌ها و هویت است و از سوی دیگر سازنده هویت و عامل انسجام گفتمانی است. (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۶۵)

### هژمونی<sup>۵</sup>

از نظر لاکلاو و موفه، هژمونی رهبری سیاسی و اخلاقی و روشنفکرانه یک نیروی غالب (دولت، گروه، جنبش و ...) است که کاملاً به تشکیل یک ساختار گفتمانی بستگی دارد و سطح وسیعی از تقاضاها، نظرات و حالات را تأمین می‌کند. ایجاد یک گفتمان هژمونیک بر اساس یک شکل‌بندی گفتمانی استوار است که از طریق مفصل‌بندی ایجاد می‌شود. (Smith, 1998: 101)

1. Floating signifiers.
2. Articulation.
3. Dislocation.
4. Aantagonism.
5. Hegemony.

ماهیت تفوق طلب و فراگیر گفتمان موجب می شود، با وجود پادگفتمان های دیگر، یک گفتمان به منزلت هژمونیک برسد و گفتمان های دیگر را به حاشیه براند. (Laclau and Muffe, 1985: 125)

#### ساختار شکنی<sup>۱</sup>

استراتژی واسازی یک گفتمان، تهی کردن «نقاط گرهی و کانونی»، «دقایق» و «عناصر» آن گفتمان از معانی و محتوای مستقر آن و تزیین آنان به محتوایی دگرگون است. (تاجیک، ۱۳۸۳: ۲۱۹)

هژمونی و ساختار شکنی دو روی یک سکه اند. هژمونی باعث نزدیک شدن دالی به مدلولی خاص و ثبات نسبی معنای یک نشانه می شود، ولی ساختار شکنی با انتساب مدلول و معنایی متفاوت به آن دال، مدلولی را که گفتمان رقیب به آن دال چسبانده بود دور می سازد و آن دال را بازتعریف می کند و به این ترتیب هژمونی گفتمان مورد نظر را می شکند. (سلطانی، ۱۳۸۷: ۹۵)

#### منطق تفاوت<sup>۲</sup>

منطق تفاوت، به ویژگی متکثر بودن جامعه اشاره دارد و بر تمایزها و تفاوت های میان نیروهای اجتماعی تأکید می کند. منطق تفاوت می گوید از راه تأکید بر تفاوت ها و تنوعات و به تبع آن اختلافات موجود در عرصه اجتماعی، «زنجیره هم ارزی» موجود را به هم بریزد. در اینجاست که خصومت و غیریت برجسته می شود. (De.vos, 2003: 165)

#### منطق هم ارزی<sup>۳</sup>

منطق یا زنجیره هم ارزی، منطق ساده سازی فضای سیاسی است. گفتمان ها پیوسته در تلاش اند تا تفاوت های موجود را پنهان کنند و جامعه را یک دست نشان دهند. این کار، به وسیله ایجاد یک زنجیره هم ارزی انجام می شود. زنجیره هم ارزی بدین معناست که در فرایند مفصل بندی، نشانه های اصلی در یک زنجیره معنایی با نشانه های دیگر ترکیب می شوند و در مقابل یک غیر که به نظر می رسد آنها را تهدید می کند، قرار می گیرند. منطق هم ارزی، در تلاش است تا از طریق مفصل بندی بخشی از این نیروها، تمایز میان آنها را کاهش داده و آنان را در برابر یک غیر منسجم کند. (Smith, 1998: 89)

#### برجسته سازی و حاشیه رانی<sup>۴</sup>

برجسته سازی و حاشیه رانی سازوکاری است که گفتمان ها به واسطه آن سعی می کنند نقاط قوت خود را برجسته سازند و نقاط ضعف خود را به حاشیه برانند و پنهان کنند و بالعکس، نقاط قوت «غیر» یا دشمن را به

1. Deconstruction.
2. Logic of difference.
3. Chain of equivalence.
4. Highlighting and margin racing.

حاشیه برانند و نقاط ضعف آن را برجسته سازند. جنبش‌های اجتماعی، تظاهرات خیابانی، اعتصابات، ترور شخصیت‌ها، سازوکارهای اقتصادی و قانونی، نیروی انتظامی، رسانه‌های جمعی و غیره همگی ابزارهایی برای برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی هستند. (سلطانی، ۱۳۸۷: ۱۱۳) برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت و دوام هژمونی گفتمان است.

### حوزه گفتمان گونگی<sup>۱</sup>

لاکلاو و موفه در تحلیل خود از شرایط هژمونیک شدن یک گفتمان از حوزه‌ای به نام گفتمان گونگی سخن می‌گویند. در این حوزه معانی وجود دارند که گفتمان هژمونیک توانایی جذب آنها را ندارد و یا به عبارت دیگر نشانه‌هایی هستند که از گفتمان هژمونیک حذف شده‌اند. (Laclau and Muffe, 1985: 111)

همیشه بسیاری از مفاهیم معنایی خارج از نظام معنایی گفتمان غالب قرار می‌گیرند؛ در این شرایط، گفتمان‌های رقیب که در کمین شکست هژمونی گفتمان غالب نشسته‌اند سعی می‌کنند نشانه‌هایی که در حوزه گفتمان گونگی آن قرار گرفته‌اند را جذب و این واژگان سرگردان را مفصل‌بندی کنند.

### قدرت<sup>۲</sup>

لاکلاو و موفه در مبحث قدرت تحت تأثیر فوکو هستند. از نظر فوکو قدرت در همه جا وجود دارد؛ نه به این دلیل که هر چیزی را دربر می‌گیرد، بلکه به این دلیل که از همه چیز ناشی می‌شود. (Foucault, 1989: 93)

تثبیت یا عینیت یک گفتمان همراه با روابط قدرت و طرد و سرکوب دیگران صورت می‌گیرد و بدون قدرت هیچ تثبیت و عینیتی وجود ندارد. لازمه رفتارهای هژمونیک، ترسیم مرزهای سیاسی است؛ به عبارت دیگر باید کشمکش میان نیروهای مخالف و جداسازی برخی از احتمالات در تأسیس گفتمان‌ها وجود داشته باشد. به همین دلیل، رفتار هژمونیک اغلب شامل به‌کارگیری قدرت است؛ زیرا طی آن یک پروژه سیاسی سعی می‌کند تا خواسته‌های خود را بر دیگران تحمیل کند. (Laclau and Mouffe, 1987: 166)

قدرت از نظر لاکلاو و موفه عبارت است از قدرت تعریف کردن و تحمیل این تعریف در برابر هر آنچه آن را نفی می‌کند. (نش، ۱۳۸۰: ۴۸)

### روش تحقیق

با توجه به اینکه بخشی از داده‌های این پژوهش حاصل مطالعات نظری و کتابخانه‌ای است و بخشی دیگر حاصل مشاهده برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای و تحلیل محتوای این برنامه‌هاست لذا روش تحقیق در این پژوهش ترکیبی از روش اسنادی و تحلیل محتوا است.

1. Field of discursivity.  
2. Power.

### مختصات گفتمان انقلاب اسلامی

بر اساس نظریه لاکلاو و موفه می‌توان گفت گفتمان انقلاب اسلامی که به شکل نظام سیاسی جمهوری اسلامی تبلور یافته، حاصل مفصل‌بندی نشانه‌های مهمی چون ولایت و رهبری، مردم، عدالت اجتماعی، آزادی، استقلال (قاعده نفی سبیل) حول یک دال مرکزی به نام اسلام است. در واقع دال اسلام به دال‌ها و عناصر دیگر این گفتمان معنا می‌دهد و انسجام معنایی آن را حفظ می‌کند. از آنجایی که اسلام دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی است، بنابراین دال‌هایی که حول محور این دال مرکزی شکل می‌گیرند، تشکیل دهنده گفتمان انقلاب اسلامی نیز هستند.

#### ۱. ولایت و رهبری

مسئله ولایت و رهبری از مهم‌ترین و محوری‌ترین مسایل و مباحث اسلامی و قرآنی است. امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه می‌فرماید:

لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ إِلَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمًا خَائِفًا مَعْمُورًا لِيَلَّا تَبْطُلَ حُجْجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ... (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۴۷)

زمین هیچ‌گاه از حجت الهی خالی نیست که برای خدا با برهان روشن قیام کند. وی یا آشکار و شناخته است و یا بیمناک و پنهان، تا حجت خدا باطل نشود و نشانه‌هایش از میان نرود.

امام جعفر صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

مَا زَالَتْ الْأَرْضُ إِلَّا وَكَلَّهَ فِيهَا الْحُجَّةُ، يُعْرِفُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَيَدْعُو النَّاسَ إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ. (کلینی، ۱۳۶۴: ۱ / ۲۵۱)

زمین همیشه نباید جز آنکه برای خداوند در آن حجتی باید، تا حلال و حرام را به مردم بفهماند و مردم را به راه خدا فرا خواند.

رهبر (پیامبران و امامان) در گفتمان اسلامی، هم نقش هدایت باطنی (دستگیری معنوی و پشتیبانی روحی)، هم هدایت علمی (مرجعیت دینی و ولایت تشریحی) و هم زعامت سیاسی (رهبری اجتماع و سرپرستی دینی و دنیوی) جامعه را بر عهده دارد. بنابراین، عصمت و پاکی روح از شروط اساسی امام و رهبر در گفتمان اسلام شیعی است؛ چون در غیر این صورت، رهبر توانایی هدایت باطنی سالکان راه حق را نخواهد داشت. به همین دلیل رهبر معصوم، منصوب از طرف خداست. (دارایی، ۱۳۸۷) طبق نظر شیعه در شرایطی که معصوم علیه السلام بر جامعه حاکمیت مستقیم ندارد - مانند زمان غیبت - ولایت به فقیه جامع شرایط می‌رسد. امام خمینی رحمته الله علیه در این رابطه می‌فرماید:

فقیه جامع شرایط جانشین امام معصوم علیه السلام است. اختیارات حکومتی فقیه مانند پیامبر و امام است ولی مقام معنوی فقها مانند مقام پیامبر و ائمه نیست. (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۴۰)

## ۲. مردم

مردم در گفتمان اسلام، مهم‌ترین نقش را در عینیت بخشیدن به حکومت اسلامی دارند. در اسلام حاکمیت از آن خداست؛ مشروعیت حکومت و رهبر جامعه اسلامی، الهی است و پیامبر و امام به واسطه نص صریح قرآن بر امت ولایت پیدا می‌کنند و رأی و نظر مردم، نقشی در مشروعیت حکومت آنها ندارد ولی در تحقق حکومت آنها نقش اساسی متعلق به مردم است؛ به عنوان مثال، پیامبر حکومت خویش را بر مردم تحمیل نکرد، بلکه خود مسلمانان با عشق با پیامبر بیعت کردند و با رغبت حکومت نبوی را پذیرا شدند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۵۳ - ۵۲)

مردم مهم‌ترین واسطه تشکیل حکومت اسلامی و منبع اصلی مقبولیت رهبر جامعه اسلامی هستند. بعد از رحلت پیامبر با آنکه حضرت علی علیه السلام امام منصوب از جانب خداوند و پیامبر بود اما به واسطه عدم پذیرش عمومی نتوانست قدرت را در دست بگیرد و حکومت تشکیل دهد.

نقش مردم در ایجاد جمهوری اسلامی به عنوان تبلور گفتمان انقلاب اسلامی نیز یک نقش محوری است. مقام معظم رهبری درباره مشارکت و نقش مردم در پیدایش مردم سالاری دینی می‌فرماید: «... باید با اتکا به رأی مردم کسی سر کار بیاید. باید با اتکا به اراده مردم، نظام حرکت کند.» (سخنرانی مقام معظم رهبری در سالگرد رحلت امام، ۱۳۸۰/۳/۱۴)

## ۳. آزادی

در اسلام، انسان آزاد است؛ حتی در اساسی‌ترین مطلب، یعنی تشریح به دین: «انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً» (انسان / ۳) ولی آزادی تنها صفت انسان نیست؛ چون انسان ابعاد دیگری هم دارد که باید به آنها پاسخ دهد. در اسلام در کنار آزادی انسان، دو نیروی قدسی و فرا انسانی به نام «عقل» و «وحی» نیز وجود دارند که بسیاری از آزادی‌های نامعقول را محدود می‌کنند و لازم‌الاتباع هستند و این دو نعمت بزرگ را خداوند به انسان عنایت کرده است. پس فرامین خدا می‌تواند آزادی را محدود کند؛ چراکه خداوند مافوق آزادی است. پیامبران نیز به عنوان فرستادگان خداوند به وسیله دین الهی، انسان آزاد را هدایت می‌کنند. (آرپناهی، ۱۳۸۰: ۸)

در واقع، آزادی در اسلام یعنی رها شدن از بردگی و اطاعت غیر خدا و آزادی در هر آنچه خدا مباح ساخته است. (طباطبایی بی‌تا: ۱۸۵ - ۱۸۲) بنابراین در این چارچوب، آزادی‌های مدنی نیز برای او به رسمیت شناخته می‌شود.

## ۴. استقلال و قاعده نفی سبیل

قاعده نفی سبیل در روابط حقوقی مسلمانان با غیرمسلمانان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و به عنوان شاخصی مطمئن برای تعدیل و تنظیم روابط یادشده، حافظ استقلال، عزت و شرافت مسلمانان است.

برای حجیت قاعده نفی سبیل می‌توان آیه ۱۴۱ سوره نساء را مهم‌ترین سند قرآنی دانست که در ادبیات فقه،

به «قاعده نفی سبیل» مشهور است: «... وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً...؛ خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان، تسلطی نداده است».

در احادیث نیز، مهم‌ترین حدیثی که فقها در اثبات این قاعده طرح کرده‌اند، حدیث نبوی مشهور به «حدیث علو» است که شیخ صدوق آن را نقل کرده است:

الاسلام يعلو و لا يعلي عليه والكفار بمنزلة الموتي لا يحجون و لا يورثون. (صدوق، ۱۳۷۱ق: ۴ / ۳۳۴) اسلام (نسبت به سایر مکاتب و ملل) همیشه برتری دارد و هیچ چیزی بر آن برتری ندارد و کافران به منزله مرده‌ها هستند؛ مانع از ارث دیگران نمی‌شوند و خودشان نیز ارث نمی‌برند.

##### ۵. عدالت اجتماعی

اسلام دینی است که در تمام امور، انسان‌ها را از افراط و تفریط باز می‌دارد و به حفظ تعادل و میانه‌روی سفارش می‌کند. حفظ تعادل، هم در زندگی فردی و هم در حوزه اجتماعی مورد نظر اسلام است؛ زیرا نظامی که مبتنی بر عدالت باشد پایدار خواهد ماند. «العدل اقوي اساس؛ عدالت محکم‌ترین بنیان است». (آمدی، ۱۳۷۴: ۳۳۶)

در نگرش اسلامی، عدالت از یکسو قانونی است تکوینی که حاکم بر امور هستی است: «بالعدل قامت السموات و الارض» (ابن‌ابی‌الجمهور، ۱۳۶۲: ۱۰۳) و از سوی دیگر، یک امر تشریحی است: «یا ایها الذین امنوا کونوا قوامین بالقسط» (نساء / ۱۳۵) و از طرفی میزان و معیاری برای سنجش و برپایی حقوق است: «ان العدل میزان الله الذي و وضعه الحق و نصبه الافاقه الحق». (آمدی، ۱۳۷۴: ۹۹) بنابراین در تعریف عدالت اجتماعی قدر مسلم باید «عطا کل ذی حق حقه» (طباطبایی، ۱۹۹۱: ۳۷۱) را در نظر گرفت و بدون آن، عدالت اجتماعی معنا و مفهومی نخواهد داشت. (اصغری، ۱۳۸۳: ۳۱۷) همچنین بعثت پیامبران برای تحقق عدالت است:

لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط. (حدید / ۲۵) به راستی پیامبران را با دلایل روشن روانه کردیم و با آنان کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردمان به دادگری برخیزند.

یکی از مهم‌ترین ارکان و مؤلفه‌های بقای انقلاب اسلامی نیز عدالت اجتماعی است. شهید مطهری در این رابطه می‌گوید:

... اگر انقلاب ما در مسیر برقراری عدالت اجتماعی به پیش نرود، مطمئناً به نتیجه نخواهد رسید و این خطر هست که انقلاب دیگری با ماهیت دیگری جای آن را بگیرد. (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۵۰)

##### رویکرد رسانه‌ای غرب برای تقابل با گفتمان انقلاب اسلامی

غرب برای جلوگیری از هژمونیک شدن گفتمان انقلاب اسلامی با یک رویکرد رسانه‌ای، به مقابله با این گفتمان پرداخته است. در شرایط کنونی، فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای، مهم‌ترین ابزار



مقابله نرم‌افزاری غرب با گفتمان انقلاب اسلامی هستند. در این میان، شبکه‌های ماهواره‌ای به دلیل قابلیت استفاده همگانی برای تمام اقشار (باسواد و بی‌سواد)، سهل‌الوصول بودن و استفاده از تصویر برای اقناع مخاطب، تأثیرات بیشتر و عمیق‌تری بر جوامع هدف خود دارند. غرب در این تقابل رسانه‌ای بیشترین سرمایه‌گذاری را بر روی شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان انجام داده است. در ذیل به مهم‌ترین شبکه‌های فارسی‌زبان معاندی که به دنبال بی‌قراری گفتمان انقلاب اسلامی هستند اشاره می‌کنیم.

### مهم‌ترین شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان معاند

در حال حاضر می‌توان برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبانی که هدف خود را بر تقابل با گفتمان انقلاب اسلامی و مشروعیت زدایی از نظام سیاسی جمهوری اسلامی قرار داده‌اند به چند بخش تقسیم کرد:

۱. سیاسی و خبری ۲. فیلم، سرگرمی و خانوادگی ۳. موسیقی و هنر ۴. دینی و مذهبی.

این شبکه‌ها با یک تقسیم کار حساب شده، تمام مختصات گفتمان انقلاب اسلامی را مورد هدف قرار داده‌اند تا بتوانند با تأثیرگذاری در تمام این بخش‌ها کلیت این گفتمان را دچار استحاله کنند:

### حوزه سیاسی و خبری

بی.بی.سی فارسی،<sup>۱</sup> صدای آمریکا،<sup>۲</sup> یورو نیوز،<sup>۳</sup> سیمای آزادی - تلویزیون ملی ایران،<sup>۴</sup> شبکه‌های سلطنتی (کانال یک،<sup>۵</sup> پارس تی وی،<sup>۶</sup> تصویر ایران،<sup>۷</sup> ایران آریایی<sup>۸</sup> و...)، کوموله<sup>۹</sup> و ... مسئول پخش برنامه‌های سیاسی و خبری هستند. دروغ‌پردازی، شایعه‌سازی، تلاش برای آشفته نشان دادن وضعیت سیاسی ایران، اخبار جهت‌دار، تلاش در راستای قوم‌گرایی و تجزیه ایران از اهداف اصلی آنها است.

در بین این شبکه‌ها بی‌بی‌سی فارسی (BBC) و صدای آمریکا (VOA) به دلیل سرعت بالای انتقال خبر و گزارش‌ها، برخورداری از کادر حرفه‌ای و کیفیت مطلوب، تنوع موضوعات تحت پوشش، استمرار و تداوم خبررسانی، تناسب اخبار و گزارش‌های خبری و تکمیل آن با تفسیر خبر، وجود برنامه‌های جذاب و متنوع غیرخبری و غیرسیاسی مکمل و انطباق با معیارهای گزینشی و پخش اخبار و حرفه‌ای‌گری از تأثیرات بیشتری برخوردار هستند. (گلشن پژوه، ۱۳۸۹)

1. BBC Persian.
2. VOA.
3. Euro News.
4. Iran National TV.
5. Channel One.
6. Pars TV.
7. Iran Tasvire.
8. Iran Aryan.
9. Komala.

### حوزه فیلم، سرگرمی و خانوادگی

پرتعدادترین این شبکه‌ها عبارتند از: فارسی وان،<sup>۱</sup> من و تو،<sup>۲</sup> جم‌تی‌وی،<sup>۳</sup> آی‌سی‌سی،<sup>۴</sup> ایران اف ام تی وی،<sup>۵</sup> ایران پی اس تی وی،<sup>۶</sup> ام بی سی پرشین،<sup>۷</sup> مو وی وان،<sup>۸</sup> تی وی بیست،<sup>۹</sup> تی وی پرشین وان،<sup>۱۰</sup> پی ام سی فامیلی،<sup>۱۱</sup> پرشین فیلم،<sup>۱۲</sup> ایران ام ان تی وی<sup>۱۳</sup> و ... مهم‌ترین برنامه‌های این شبکه‌ها در حوزه سرگرمی و با مخاطب خانواده، خصوصاً زنان طراحی می‌شود.

### حوزه موسیقی

مهم‌ترین و پر بیننده‌ترین شبکه‌های موسیقی فارسی‌زبان عبارتند از: پی ام سی میوزیک،<sup>۱۴</sup> ایران میوزیک،<sup>۱۵</sup> ایران بیوتی،<sup>۱۶</sup> ای بی سی وان،<sup>۱۷</sup> آوا میوزیک<sup>۱۸</sup> و ...

این شبکه‌ها به پخش ترانه‌های خوانندگان لس‌آنجلسی، خوانندگان زیر زمینی که در ایران مجوز فعالیت ندارند و خوانندگان غربی همراه با کلیپ‌های رقص و بعضاً کلیپ‌های غیر اخلاقی و پورنو مبادرت می‌کنند.

### حوزه دینی و مذهبی

در حوزه دینی می‌توان گفت دو گروه اسلام‌گرا و مسیحی فعال هستند و در حوزه مذهبی، سلفی‌های تندرو اهل سنت و غالبان افراطی شیعی فعالان اصلی هستند. نکته جالب توجه در مورد این شبکه‌ها تفاسیر رادیکالی از دین، ضدیت با نظام جمهوری اسلامی، حمایت ضمنی یا مستقیم از صهیونیسم و استقرار پایگاه‌های اصلی آنها در آمریکا، انگلستان و یا متحدان منطقه‌ای این دو کشور غربی است.

- مهم‌ترین شبکه‌های فارسی زبان مبلغ مسیحیت عبارتند از: نجات تی وی (ارمنستان)،<sup>۱۹</sup> سون (آمریکا)<sup>۲۰</sup> و محبت (آمریکا).<sup>۲۱</sup>

1. Farsi 1.
2. Manoto.
3. GemTV.
4. ICC.
5. IRAN- FM TV.
6. IRAN- PS TV.
7. mbc persian.
8. Movie1.
9. TV 20.
10. TV Pershan one.
11. PMC Famili.
12. Persian Film.
13. IRAN-MN TV.
14. PMC Music.
15. IRAN Music.
16. Iran Buauty.
17. EBC1.
18. ava-music.
19. Nejat TV.
20. 7.
21. Mohabat.

از جمله اهداف این شبکه‌ها ترویج مسیحیت، مقابله با اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که برای رسیدن به این اهداف برنامه‌های خاصی در راستای ناقص جلوه دادن الهیات اسلامی در مقایسه با الهیات مسیحی، حمایت آشکار از رژیم صهیونیستی، دخالت در امور داخلی ایران، ادعای نقض حقوق بشر در ایران، حمایت از اغتشاش‌گران ۸۸ در ایران، حمایت از درویش ایران، پشتیبانی رسانه‌ای از تروریست‌های داخلی سوریه و سیاه‌نمایی در خصوص جبهه مقاومت حامی ایران ... تهیه و پخش می‌کنند.

مهم‌ترین شبکه‌های ماهواره‌ای شیعی افراطی عبارتند از: اهل بیت<sup>۱</sup> (آمریکا)، فدک<sup>۲</sup> (انگلستان)، سلام تی وی<sup>۳</sup> (آمریکا) و تمام شبکه‌های وابسته به سید صادق شیرازی، برادرش مجتبی شیرازی و یاسر الحیب کویتی داماد مجتبی شیرازی (امام حسین<sup>۴</sup>، مرجعیت<sup>۵</sup>، بقیع<sup>۶</sup> و ...)

مهم‌ترین شبکه‌های افراطی سنی عبارتند از: نور تی وی<sup>۷</sup> (عربستان)، وصال فارسی<sup>۸</sup> (کویت)، کلمه<sup>۹</sup> (انگلیس). تفرقه‌افکنی بین شیعه و سنی، تقابل با نظام جمهوری اسلامی، تبلیغ فقدان آزادی‌های دینی و مذهبی و ادعای برخورد آمرانه با اقلیت‌های مذهبی در ایران، ارائه چهره‌ای خشن و افراطی از مذهب تشیع، تشکیک و تردید در باورهای دینی مردم ایران، قوم‌گرایی مذهبی و ... از مهم‌ترین اهداف شبکه‌های فوق است.

#### راهبردهای ماهواره برای شکست هژمونی گفتمان انقلاب اسلامی

##### ۱. راهبرد واسازی یا ساخت‌شکنی

شبکه‌های ماهواره‌ای با هدف قرار دادن اسلام به عنوان دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی به دنبال آن هستند تا با ساختار شکنی از دال اسلام و فروپاشی آن نگذارند سایر نشانه‌ها در اطراف آن به یک نظم برسند. یکی از راهکارهای شبکه‌های ماهواره‌ای برای تقابل با گفتمان انقلاب اسلامی، تشکیک در مبانی اعتقادی مردم، مطرح کردن اسلام التقاطی و تبلیغ این گزاره است که دین تکلیف‌گرا ساخته روحانیت حاکم بر ایران است. با توجه به طیف وسیع مخاطبانی که شبکه «من و تو»، جم و برخی شبکه‌های مذهبی در ایران دارند، به مثالی از این شبکه‌ها که در راستای تبلیغ اسلام التقاطی و تلاش برای واسازی دال اسلام است می‌پردازیم:

یک. شبکه «من و تو»

- نشان دادن مراسم رقص مختلط زن و مرد و میگساری توسط میهمانان یکی از برنامه‌های این شبکه در حالی که پشت سر این افراد تابلویی نصب است که بر روی آن نام امام علی علیه السلام نقش بسته است.

1. Ahlebet.
2. Fadak.
3. SalaamTV.
4. Imam Hossein.
5. Marjaeyat.
6. Baqi.
7. Noor TV.
8. Wesal.
9. Kalameh.

(من و تو ۳۰/ ۱۳۹۱/۶) این شبکه به دنبال این است که به مخاطبان ایرانی خود که اکثراً شیعه هستند، القا کند که می‌توان مشروب خورد و با زن نامحرم رقصید و در عین حال شیعه هم بود. این همان اسلام انتقادی است که غربی‌ها به شدت به دنبال ترویج آن می‌باشند.

- ارمیا، خانم جوانی است که با حفظ حجاب اسلامی در مسابقات خوانندگی شرکت می‌کند. با مهندسی افکار عمومی، ارمیا به عنوان یکی از برندگان این مسابقات معرفی می‌گردد. (سری سوم برنامه آکادمی گوگوش، ۲۰۱۳)

گرداندگان شبکه من و تو به دنبال آن هستند تا ضمن تشکیک در اعتقادات مخاطبان مسلمان خود، آنها را به این باور برسانند که خوانندگی زنان مسلمان منافاتی با قوانین اسلام ندارد و آنچه غیر از این تبلیغ شود تبلیغات حکومت ایران است نه قوانین اسلام.

- مجری من و تو با اشاره به دست ندادن یک ورزشکار ایرانی (مهرداد کرم‌زاده) با عروس ملکه بریتانیا هنگام دریافت مدال نقره - در رشته پرتاب دیسک - که بازتاب زیادی در رسانه‌های انگلیسی داشت می‌گوید:

... همان‌طور که می‌دانید مردم در خیلی از فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف به خاطر قوانین کشورشان اجازه ندارند در میادین ورزشی و یا مراسم بین‌المللی با نامحرم دست بدهند. (من تو، ۱۳۹۱/۶/۱۸)

مجری من و تو تلاش می‌کند دست ندادن قهرمانان و هنرمندان ایرانی با نامحرم را یک رفتار جبری ارزیابی کند که از ترس حکومت صورت می‌گیرد و ربطی به قوانین اسلام ندارد.

#### دو. شبکه جم

اگر دینمداری، خانواده محوری، اخلاق‌گرایی، حجاب و عفاف، کرامت زن، قناعت و ... را مهم‌ترین مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی - ایرانی بدانیم شبکه‌های ماهواره در تلاش هستند تا این سبک زندگی را تغییر دهند. با آنکه در حال حاضر بیش از ۱۴۰ شبکه ماهواره‌ای در راستای تغییر سبک زندگی ایرانیان عمل می‌کنند. اما شبکه جم در کنار فارسی وان مسئولیت اصلی تغییر سبک زندگی ایرانیان را بر عهده گرفته است.

خانواده‌های لجام گسیخته، خیانت، عشق‌های مثلثی، فرزندان نامشروع، اخلاق‌گریزی، برهنگی، کالایی شدن زن، مصرف‌گرایی افسارگریخته مهم‌ترین ویژگی‌های سبک زندگی هستند که شبکه جم مبلغ آن است. انتخاب سریال‌های ترک توسط شبکه جم یک پروژه آگاهانه است؛ چون ترکیه یک کشور مسلمان است و ایرانی‌ها به دلیل قرابت دینی با آن می‌توانند با فیلم‌های این شبکه هم‌ذات‌پنداری کنند. نشان دادن خانواده‌های مسلمانی که از یک طرف میخوارگی، فرزند نامشروع، بی‌حجابی، روابط نامشروع و ... در میان آنها بسیار معمول است و از سوی دیگر مسجد رفتن، نماز خواندن و روزه گرفتن نیز در میان آنها به چشم می‌خورد یک پروژه مهم جنگ نرم است. ادعای فوق در فیلم‌هایی چون «عشق ممنون»، «حریم سلطان»، «عمر گل لاله»، «از بوسه تا عشق» و ... قابل اثبات است.

نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط بنیاد علوم رفتاری بر روی ۱۶۰۰ زوج و ۱۰ هزار جوان مجرد در ۷ کلان شهر کشور حاکی از تأثیر ۸۰ درصدی شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت در تغییر سبک زندگی ایرانیان است. (ابهری، ۱۳۹۲)

#### سه. شبکه‌های مذهبی سنی و شیعی افراطی

شبکه‌های تندرو سلفی چون کلمه، وصال، نور و شبکه‌های شیعی افراطی چون اهل بیت، فدک، امام حسین، امام رضا و سایر شبکه‌هایی که به صادق شیرازی وابسته هستند و پایگاه‌های اصلی آنها یا در انگلیس و یا در آمریکاست، در یک هم‌نوایی قابل توجه با غرب و صهیونیسم به دنبال ناکارآمد نشان دادن جمهوری اسلامی و حکومت مبتنی بر ولایت فقیه هستند.

شبکه‌های سنی (سلفی) به دنبال تقابل با تشیع و دال مرکزی آن، یعنی ولایت و جعلی نشان دادن تشیع هستند و در لوای عقاید مذهبی به اختلافات قومی و مذهبی در جامعه ایران دامن می‌زنند. شبکه‌های شیعی نیز ضمن تقابل با جمهوری اسلامی به دنبال واسازی مفاهیم و اصطلاحات و ایستارهایی هستند که جمهوری اسلامی به واسطه گفتمان انقلاب اسلامی و در راستای ایجاد تقریب مذاهب در ایران ایجاد کرده است. در حالی که جمهوری اسلامی هفته میلاد پیامبر را به عنوان هفته وحدت شیعه و سنی مطرح می‌کند آنها هفته براءت اعلام می‌کنند. در حالی که رهبر انقلاب و اکثر علما قمه‌زنی را حرام اعلام کرده‌اند، آنها ضمن حلال کردن آن، مبادرت به پخش قمه‌زنی در ماه محرم می‌نمایند. در حالی که رهبر انقلاب و علمای جهان اسلام توهین به زنان پیامبر و سایر صحابه را برای حفظ وحدت مجاز نمی‌دانند آنها به انواع توهین‌ها علیه عایشه همسر پیامبر و سایر رهبران اهل سنت مبادرت می‌کنند.

#### ۲. جذب دال‌های شناور

گفتمان انقلاب اسلامی به واسطه جنگ، تحریم، ساختار رانتیری اقتصاد و برخی اشتباهات نخبگان داخلی عملاً در برخی موارد قادر به استفاده از مفاهیمی که در حوزه اقتصاد، معیشت مردم و سرمایه‌گذاری‌های کلان قرار دارند نبوده و شبکه‌های ماهواره‌ای تلاش می‌کنند از این حوزه معنایی علیه جمهوری اسلامی استفاده کنند و با برجسته ساختن نشانه‌های اقتصادی و هنجارهای رفاهی و تجملاتی در جامعه یک حوزه معنایی جدید ایجاد کنند و در نظام معنایی خود دال‌های شناوری را جذب نمایند که در حوزه گفتمان گونگی انقلاب اسلامی قرار گرفته‌اند.

مشکلاتی از قبیل تورم، گرانی، بیکاری، طلاق، خودکشی، اختلاف نخبگان داخلی، اعتراضات مدنی که در هر جامعه‌ای ممکن است وجود داشته باشد در پروژه شبکه‌های ماهواره‌ای به گونه‌ای دیگر ترسیم می‌شوند. آنها سعی می‌کنند این دال‌های شناور را در قالب یک گفتمان اعتراضی مفصل‌بندی کنند. آنها با پخش برنامه‌هایی در مورد رژیم پهلوی به دنبال القاء این باور به نسل فرا انقلاب هستند که

انقلاب اسلامی یک اشتباه تاریخی بوده که پدرانشان مرتکب شده‌اند و اگر شاه سقوط نمی‌کرد، ایران امروز ژاپنی دیگر بود. ایجاد توقعات فزاینده و به وجود آوردن یک حس نوستالژی نسبت به گذشته در بین ایرانیان مهم‌ترین مکانیسم آنها در این بخش است.

پخش مستندهای گوناگون درباره شاه، خانواده شاه و انقلاب مانند «از تهران تا قاهره» و «انقلاب ۵۷» از شبکه من و تو و دعوت از افرادی از خاندان پهلوی مانند فرح پهلوی، رضا پهلوی و... برای تحلیل انقلاب و مظلوم‌نمایی توسط آنها در راستای هدف فوق است.

در ستیز نفی و طردی که میان آنها با گفتمان انقلاب اسلامی شکل گرفته، تلاش می‌کنند با درک حساسیت‌های مردم و شالوده‌شکنی از نظام معنایی گفتمان انقلاب اسلامی، اجماع بر سر دال‌های این گفتمان را شکسته و مقبولیت آنها را در ذهنیت جمعی جامعه دچار تردید و تشکیک کنند.

### ۳. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی

شبکه‌های ماهواره‌ای تلاش می‌کنند تا با برجسته‌سازی برخی از مشکلات از قبیل مشکلات اقتصادی و سیاسی و نسبت دادن آنها به حکومت اسلامی، گفتمان انقلاب اسلامی را به چالش بکشند. این شبکه‌ها با تعریف اسلامیت به عنوان رقیب ایرانیت تلاش می‌کنند آن را از طریق ترغیب مردم به مکانیسم‌های سخت‌افزاری مانند جنبش‌های اجتماعی و خیابانی به حاشیه برانند. جنبش‌های دانشجویی که در این سال‌ها شکل گرفتند در این راستا قرار دارند.

تلاش برای گسترش بحران‌های ارگانیک و مداوم، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های این شبکه‌هاست. فتنه ۸۸ و تلاش این شبکه‌ها در گسترش و تداوم آن و القاء نظامی بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران شاهد ادعای فوق است. برای اثبات ادعای فوق به چند نمونه از سیاست‌های مذکور در شبکه بی.بی.سی فارسی و من و تو اشاره می‌کنیم:

#### یک. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در شبکه بی.بی.سی

شبکه بی.بی.سی، سعی می‌کند با بزرگ‌نمایی و تمرکز بر روی شاخص‌های خاصی مانند تعداد اعدام‌ها، سن ازدواج دختران زیر ۱۵ سال، همجنس‌گرایی، حجاب اجباری زنان و... وضعیت حقوق بشر ایران را بحرانی جلوه دهد؛ در حالی که وضعیت همین شاخص‌ها و شرایط اجتماعی و حقوقی در غرب و در بسیاری از کشورهای خاورمیانه از جمله عربستان بسیار اسف‌بار است.

برجسته‌سازی شاخص‌های فوق در ایران در حالی توسط بی.بی.سی انجام می‌گیرد که همین شبکه شاخص‌های اجتماعی، خانوادگی و زندگی فردی که در ایران از جهات مختلف نسبت به غرب بهتر است را به حاشیه می‌برد؛ شاخص‌هایی مانند فرهنگ‌های محاط بر انسان‌دوستی و محبت، مشارکت مردم در مسائل اجتماعی و کمک به افراد، حضور در جمعیت‌ها، هیئت‌های مذهبی، انتخابات، راهپیمایی‌هایی که باعث

انسجام شرایط سیاسی و اجتماعی کشور می‌شود، گذشت و فداکاری، بخشش، وضعیت خانواده، احساس تعلق به زندگی، خویشاوند دوستی و ... که ریشه احساس تعلق مردم به زندگی و جامعه و رفتار منطقی و تعادل و انضباط اجتماعی است. (<http://www.bultanneews.com:1393/8/25>)

- بی‌بی‌سی فارسی در راستای تداوم سیاست سیاه‌نمایی‌های خود علیه اوضاع داخلی ایران، دو پدیده فرار مغزها و مهاجرت جوانان به کشورهایی مانند استرالیا و اخبار مرتبط با آن از جمله محدودیت‌های سفر ایرانیان به اندونزی و مالزی را بهانه قرار می‌دهد تا این‌گونه به مخاطبان خود القا کند که اولاً جوانان ایران با نامیدی‌ها و مشکلاتی مواجهند که حاضرند برای آن، خطرات سفر به استرالیا را به جان بخرند. ثانیاً جوانان چه تحصیل کرده و چه از افراد عادی به دنبال خروج از کشور هستند.

- نادیده گرفتن پیشرفت‌های دانشمندان هسته‌ای ایران در راستای دستیابی ایران به فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌ای و تلاش برای القای این باور به جهانیان که ایران در پی دستیابی به بمب هسته‌ای است و می‌تواند یک خطر بزرگ برای امنیت جهان باشد.

بی‌بی‌سی تلاش می‌کند تا مردم را به عنوان معارضان و مخالفان گفتمان انقلاب اسلامی و شعارها و درون‌مایه‌های اصلی آن نشان دهد و این‌گونه القا کند که گفتمان انقلاب اسلامی دیگر نمی‌تواند دال‌هایش را در اذهان عمومی تثبیت کند. برخی از این موارد عبارتند از:

۱۳ آبان بر خلاف این که از سوی حکومت به عنوان روز مبارزه با استکبار شناخته می‌شود امروز با اعتراض عمومی مردم، تهی شدن مبارزه با استکبار از پشتوانه مردمی، اثبات شد. (بی‌بی‌سی، ۱۳/۸/۱۳۸۸)

گروگان‌گیری، عملی اشتباه و از روی بی‌اطلاعی و خامی بوده است. (پخش اظهارات تسخیر کنندگان لانه جاسوسی در اقرار به اشتباه خود، بی‌بی‌سی، ۱۳/۸/۱۳۸۸)

#### دو. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی شبکه من و تو

گزارشی از تیم پزشکی یکی از بیمارستان‌های انگلیس پخش می‌شود که توانستند با موفقیت دوقلویی را چند ماه زودتر از زمان مقرر، سالم به دنیا آورند. مجری هم می‌گوید که این حاصل تبحر و توان بالای پزشکان انگلیسی است.

گفتنی است در حالی شبکه من و تو از این موفقیت پزشکان انگلیسی تعریف می‌کند که تا به حال حتی یک گزارش هم از پیشرفت‌های خیره‌کننده پزشکان ایرانی پخش نکرده است.

- موضوع گزارشی که ادعا می‌شود یکی از ایرانیان فرستاده است اعتراض حدود ۱۵ - ۱۰ نفر از کارگران یکی از کارخانه‌های یک شهر کوچک می‌باشد که برای هر کشوری در طول هفته ده‌ها بار اتفاق می‌افتد. مجری برنامه بعد از گزارش، با حالتی حزن‌آلود و با تسری این مشکل به تمام کشور، دعا می‌کند ای کاش بالاخره این مشکلات در ایران پایان یابد و مردم از این بدبختی و مصیبت نجات پیدا کنند.

در ادامه به مناسبت سالگرد تأسیس مترو در انگلیس گزارشی از متروی این کشور پخش می‌شود. در این گزارش، جذابیت‌هایی از انگلیس نشان داده می‌شود که حتی می‌تواند برای خود انگلیسی‌ها هم باورکردنی نباشد که چنین جاهای جذابی داشته‌اند و از آن بی‌خبر بوده‌اند. (۱۳۹۱/۱۲/۸، <http://www.jamnews.ir>)

#### ۴. به کارگیری منطق تفاوت و مقابله با منطق هم‌ارزی

شبکه‌های ماهواره‌ای با استفاده از منطق تفاوت تلاش می‌کنند تا تفاوت‌ها، اختلافات و مرزبندی‌های موجود در جامعه را بر جسته نمایند و با تأکید بر آنها، گفتمان انقلاب اسلامی را دچار بی‌قراری کنند. در مقابل، زنجیره هم‌ارزی که گفتمان انقلاب اسلامی ایجاد کرده است را در هم بشکنند.

آنها با ایجاد رابطه میان ناسامانی‌ها و ناهنجاری‌های موجود در جامعه با گفتمان انقلاب اسلامی تلاش می‌کنند این گفتمان را به عنوان عامل اختلاف، فقر، ناهنجاری‌های اخلاقی و ... معرفی نمایند. شبکه‌های ماهواره‌ای با تأکید بر اختلافات مذهبی، قومی، جنسی و طبقاتی در جامعه ایران به دنبال این هستند تا زنجیره هم‌ارزی که گفتمان انقلاب اسلامی حول محور دال «اسلام» ایجاد کرده را در هم شکنند و با ایجاد تقابل‌های دوتایی چون فقیر و غنی، مذهبی و سکولار، انقلابی و ضد انقلاب، مسلمان و غیر مسلمان، فارس و غیر فارس، مرد و زن و ... زنجیره هم‌ارزی گفتمان انقلاب اسلامی را در هم شکنند.

شبکه‌های دینی چون نجات، محبت و سون به دنبال القاء ظلم علیه اقلیت‌های دینی هستند. شبکه‌هایی چون وصال فارسی و کلمه در کنار تلاش برای ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی در صدد هستند تا جمهوری اسلامی را به عنوان حکومتی مطرح کنند که به اهل سنت و مطالباتشان توجهی نشان نمی‌دهد. شبکه‌های بی‌بی‌سی فارسی، صدای آمریکا و من و تو نیز با طرح موضوعات بحث برانگیز، سیال و تفسیربرداری چون حقوق بشر، تعداد زندانیان سیاسی، وضعیت زنان و مسائل اقتصادی به دنبال تشدید شکاف‌های سیاسی، جنسی و طبقاتی در جامعه ایران هستند. اهداف تمام این شبکه‌ها که به شکلی هدفدار و کاملاً برنامه‌ریزی شده مسئولیت تقابل با گفتمان انقلاب اسلامی را در تمام سطوح بین خود تقسیم نموده‌اند از برجسته کردن اختلافات و شکاف‌های موجود در جامعه ایران را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

یک. تضعیف سرمایه اجتماعی و افزایش بی‌اعتمادی مردم

اعتماد مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی است و دارای ابعاد گسترده‌ای است:

الف) اعتماد مردم به مردم.

ب) اعتماد مردم به دولت.

ج) اعتماد دولت به مردم.

در این میان اعتماد مردم به مردم و اعتماد مردم به دولت از جایگاه مهمی برخوردار است. هر چقدر اعتماد مردم به یکدیگر در جامعه‌ای بیشتر باشد هزینه‌های امنیتی، حفاظتی و قضایی کاهش می‌یابد و در



مقابل بی‌اعتمادی افراد جامعه به یکدیگر هزینه‌های جامعه را افزایش می‌دهد؛ مثلاً مردم به دلیل ترس از دزدی، متحمل هزینه‌هایی چون نصب نرده روی دیوار، نصب دوربین و دزدگیر و امثال آن می‌شوند، لذا بی‌اعتمادی مردم به یکدیگر ناگزیر هزینه‌های تحمیلی بر جامعه را افزایش می‌دهد. اعتماد مردم به دولت نیز نقشی غیرقابل انکار در اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت ایفا می‌کند و از این رو هزینه‌های سنگین اجرای ناموفق برنامه‌های دولت را از میان می‌برد. (نادمی، ۱۳۹۲)

شبکه‌های ماهواره‌ای در تضاد و تقابل آشکار رسانه‌ای با نظام حاکم بر ایران در تلاش هستند تا اعتماد مردم به مردم و مردم به نظام جمهوری اسلامی را تضعیف کنند تا بتوانند هزینه‌های نظام را افزایش دهند.

#### دو. ناکارآمد جلوه دادن حکومت جمهوری اسلامی

در تابستان ۱۳۷۴ در هامبورگ آلمان جریان‌های ضد انقلاب، اجلاسی با عنوان «اجلاس همبستگی» یا «کمیته همبستگی» تشکیل دادند. در این اجلاس که با مدیریت آمریکایی‌ها صورت گرفت، عامل پیروزی جمهوری اسلامی ایران را در حوادث گذشته، وجود ایمان و اعتقادات مذهبی مردم، رهبری دینی (ولایت فقیه) و پیوند بین مردم و حکومت در ایران دانستند و گفته شد تا این عوامل موجود باشند نمی‌توان نظام جمهوری اسلامی را در ایران از پای درآورد. استراتژی‌ای که به عنوان نقشه راه در این اجلاس مطرح شد استراتژی «تغییر از درون» یا «استراتژی بزرگ» نام گرفت. طبق این استراتژی، جنگ فرهنگی علیه جمهوری اسلامی، تضعیف تدریجی و زیرپوستی اعتقادات دینی و گرایش‌های انقلابی مردم و ایجاد بدبینی و بی‌اعتمادی مردم نسبت به کارآمدی نظام دینی در اولویت قرار گرفت. (مه‌دوی، ۱۳۹۳)

بزرگنمایی مشکلات جامعه ایران و نسبت دادن آنها به حکومت اسلامی توسط شبکه‌های ماهواره‌ای، در راستای همان استراتژی بزرگ تغییر و استحاله نظام جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد.

#### سه. افزایش قانون‌گریزی در ایران

شبکه‌های ماهواره‌ای با برنامه‌های هنجارشکن خود به دنبال آن هستند تا با تغییر سبک زندگی مردم، هنجارها و ایستارهای حاکم بر جامعه ایران را تغییر دهند و به مردم القا کنند که اینها هنجارهای حکومتی هستند که گفتمان انقلاب اسلامی مبدع آنهاست و به فرهنگ ایرانی و اسلامی ربطی ندارد.

از آنجایی که هنجارهایی که ماهواره تبلیغ می‌کند در جامعه ما غیر هنجار محسوب می‌شوند، لذا وقتی جوانان ایرانی به دنبال پیاده کردن آنها در جامعه ایران هستند به عنوان اعمال غیر قانونی و ناهنجار مطرح می‌شوند و باعث اصطکاک آنها با دولت می‌شود؛ چیزی که شبکه‌های ماهواره‌ای به دنبال آن هستند.

ظاهر شدن دختران بدحجاب و پسران با مدهای غیر متعارف مو و لباس در جامعه، مهم‌ترین نمادهای هنجارشکنی جوانان ایرانی است که تحت تأثیر ماهواره صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، ماهواره باعث شده است تا جوانان ایرانی قانون‌گریزتر شوند.

#### چهار. افزایش نافرمانی مدنی

نافرمانی مدنی عبارت است از هرگونه اقدام قانون شکنانه، آشکار و عمدی که با هدف جلب توجه همگان به نامشروع بودن برخی قوانین یا نادرستی آنها از جنبه اخلاقی و عقلانی صورت می‌گیرد. (آقابخش و افشاری، ۱۳۷۹: ۸۵) در این روش با بی‌اعتنایی به قوانین حکومتی سعی در تضعیف قابلیت اجرای قانون که یکی از مهم‌ترین پایه‌های قدرت هر حکومتی است می‌شود. (Morreall, 1976: 35-47)

نتیجه برنامه‌های هدف‌دار شبکه‌های ماهواره‌ای ایجاد نافرمانی مدنی در جامعه است. تشویق به کنار گذاشتن حجاب، خواندن سرود ای ایران به جای سرود ملی، حمل پرچم‌هایی بدون آرم جمهوری اسلامی، ایجاد ترافیک در سطح شهرها، امتناع از همکاری برای دریافت اوراق شناسایی، خروج سرمایه‌ها و پس‌اندازها از بانک‌ها، نمادهای نافرمانی مدنی در جامعه ایران هستند.

#### ۵. ایجاد توقعات فزاینده و مصرف‌گرایی در مردم

ایجاد توقعات فزاینده در مردم، یکی از نظریه‌ها در تحلیل رخ دادن انقلاب‌هاست. فرض اصلی در این نظریه این است که هرگاه پس از یک دوره طولانی رشد اقتصادی و اجتماعی، یک دوره برگشت سریع اتفاق بیفتد احتمال وقوع انقلاب بیشتر می‌شود. در چنین جامعه‌ای وقتی رکود اقتصادی شدید اتفاق بیفتد، بین خواسته‌ها و توقعات مردم با ارضای آنها فاصله می‌افتد. هرچه شدت و حدت رکود بیشتر باشد این فاصله بیشتر می‌شود و باعث ایجاد شرایط حاد شده و احتمال وقوع انقلاب افزایش می‌یابد. (پناهی، ۱۳۸۹: ۳۱۹ - ۳۱۸)

تبلیغات تجاری ماهواره‌ها برای برخی کالاها تولیدی، به سرعت احساس نیاز را در مردم برمی‌انگیزد؛ نمایش تجمل و جذاب جلوه دادن شخصیت داستان‌ها با پوشاک متنوع به طور غیر مستقیم بر ذهن مخاطب تأثیر گذاشته و او را ناخودآگاه به سمت مراکز خرید، تجمل و مصرف‌گرایی می‌کشاند. معمولاً این برنامه‌ها با هدف‌های مشخصی طراحی می‌شوند و در هر قسمت از آن، نوعی تبلیغ برای فروش و بازاریابی وجود دارد. شرکت‌ها برای ارائه این تبلیغات، هیچ تعرفه‌ای نیز به دولت‌ها نمی‌پردازند.

در واقع، استراتژی غرب این است تا فشار سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بر جمهوری اسلامی، همدیگر را تقویت کنند؛ به عنوان مثال در عرصه نرم‌افزاری با یک جنگ رسانه‌ای به بالا بردن توقعات و افزایش مصرف‌گرایی در بین ایرانیان مبادرت می‌کند و در عرصه نیمه سخت با تحریم‌های اقتصادی باعث می‌شود تا جمهوری اسلامی نتواند این مطالبات فزاینده و بعضاً غیر ضروری را پاسخ دهد. با این استراتژی هم می‌توان گفتمان انقلاب اسلامی را ناکارآمد جلوه داد و هم زمینه اصطکاک مردم با نظام را فراهم کرد.

#### نتیجه

غرب در تقابل نرم‌افزاری با گفتمان انقلاب اسلامی به دنبال زایل نمودن سه عنصر مشروعیت، مقبولیت و کارآمدی آن است. هدف قرار دادن دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی با جنگ رسانه‌ای و روانی به عنوان

آخرین حربه غرب برای فرو ریختن گفتمان انقلاب به شکلی همه جانبه در حال انجام است. فضای مجازی (شبکه‌های اجتماعی اینترنت و تلفن همراه) و ماهواره مهم‌ترین ابزارهای غرب در این نبرد فرهنگی هستند که در این میان شبکه‌های ماهواره‌ای به دلایلی که در متن پژوهش آمد می‌توانند حامل خطرهای بیشتری باشند. اگر این شبکه‌ها بتوانند فضای ذهنی جامعه ایران را اشغال کنند و دیپلماسی عمومی آنها با موفقیت همراه باشد آنگاه مسیر بی‌قراری و از جا شدگی گفتمان انقلاب اسلامی باز می‌شود؛ اما اگر مطالبات، نیازها و خواست‌های مردم به عنوان پاسداران اصلی گفتمان انقلاب اسلامی با هویت، فرهنگ، تمدن و داشته‌های بومی و ایرانی پاسخ داده شود گفتمان انقلاب اسلامی در منزلت هژمونیک قرار خواهد گرفت.

طبیعی است در عرصه نرم افزاری باید با خدمت گرفتن هنر اصیل ایرانی - اسلامی که درونمایه‌ای الهی دارد در نوع برنامه‌سازی رسانه‌های بومی تجدید نظر کرد؛ سواد رسانه‌ای مردم را بالا برد؛ پشت پرده شبکه‌های ماهواره‌ای معاند را به مردم نشان داد؛ اعتماد مردم را با حفظ اصل صداقت و بی‌طرفی در خبررسانی جلب نمود و در حوزه سرگرمی (فیلم، سریال و موسیقی) نیز تنوع، خلاقیت و برنامه‌سازی نوین را لحاظ کرد. در واقع، مقابله با شبکه‌های ماهواره‌ای معاند به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع هژمونیک شدن گفتمان انقلاب اسلامی، یک همت مضاعف تاریخی و ملی می‌طلبد و و برای این مهم تمام نخبگان ما از تمام طیف‌ها و گروه‌های فعال سیاسی و اجتماعی باید به یک انسجام درونی برسند.

#### منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ۱۳۸۴، ترجمه محمد دشتی، انتشارات آستان قدس رضوی، چ ششم.
۳. آرپناهی، شاهین، ۱۳۸۰، «آزادی از چه، آزادی برای چه»، دیدار آشنا، شماره ۲۱.
۴. آقابخشی، علی و مینو افشاری، ۱۳۷۹، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر چاپار.
۵. آمدی، عبد الواحد، ۱۳۶۶، غررالحکم و دررالکلم، تحقیق مصطفی درایتی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۶. ابهری، مجید، ۱۳۹۲، «تأثیر ۸۰ درصدی ماهواره و اینترنت بر تغییر سبک زندگی مردم»، قابل دسترس در: <http://sh-sarakhs.ir> ۱۳۹۲/۵/۲
۷. اصغری، محمود، ۱۳۸۳، «نقش پاسخگویی و تأثیر آن در عدالت اجتماعی»، اندیشه، سال دهم، شماره ۳ و ۴.
۸. امام خمینی، سیدروح الله، ۱۳۸۸، ولایت فقیه، تهران، مرکز تنظیم و نشر آثار امام، چ هجدهم.
۹. بزرگنمایی بی‌بی‌سی در اولویت‌های حقوق بشری مثل همجنس گرایی قابل دسترس در: ۱۳۹۳/۸/۲۵ <http://www.bultannews.com>
۱۰. پناهی، محمدحسین، ۱۳۸۹، نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها، تهران، سمت.

۱۱. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۸۳، *گفتمان، یادگفتمان و سیاست*، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، چ اول.
۱۲. دارایی، سعید، ۱۳۸۷، *شمیم وحدت* (مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات سلسله همایش‌های تبیین روحانیت در اتحاد ملی و انسجام اسلامی)، کرمانشاه، انتشارات طاق بستان (وابسته به حوزه مشاوره امور روحانیت استانداری و اداره کل اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاه)، چ اول.
۱۳. «زیرپوستی‌های شبکه من و تو»، قابل دسترس در: <http://www.jamnews.ir> ۱۳۹۱/۱۲/۸
۱۴. سخنرانی مقام معظم رهبری در سالگرد رحلت امام ۱۳۸۰/۳/۱۴.
۱۵. سلطانی، علی اصغر، ۱۳۸۷، *قدرت گفتمان و زبان*، تهران، نی.
۱۶. شبکه‌های ماهواره‌ای: بی‌بی‌سی، صدای آمریکا، من و تو، جم، فارسی وان، اهل بیت، کلمه، وصال فارسی، محبت، نجات، سون، فدک، امام حسین، امام رضا، پی ام سی میوزیک، ایران بیوتی، ای بی سی وان، آوا میوزیک و ...
۱۷. شیخ صدوق، ۱۳۷۱ق، *من لا یحضره الفقیه*، جلد ۴، حدیث ۷۷۸.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین، ۱۴۱۱ق / ۱۹۹۱م، *المیزان*، جلد اول، بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، طبع اول.
۱۹. \_\_\_\_\_، بی تا، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی، جلد ۴.
۲۰. کسرائی، محمد سالار و علی پوزش شیرازی، ۱۳۸۸، «نظریه گفتمان لاکلاو و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳.
۲۱. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۳۶۴، *اصول کافی*، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۱.
۲۲. گلشن پژوه، محمودرضا، ۱۳۸۹، «تحلیل و بررسی شبکه ماهواره‌ای من و تو» در *جنگ نرم*، ج ۶، تهران، ابرار معاصر.
۲۳. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۸، *نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه*، تنظیم و تحریر محمد مهدی نادری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چ اول.
۲۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، *پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران، انتشارات صدرا، چ شانزدهم.
۲۵. مهدوی، فرهاد، ۱۳۹۳، *عملیات روانی آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران*، تهران، پایگاه جامع تاریخ معاصر ایران.
۲۶. میردامادی، سید عبدالمجید، ۱۳۷۴، *عدالت در روابط بین‌الملل و بین ادیان از دیدگاه اندیشمندان مسلمان و مسیحی*، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی.
۲۷. نادمی، یونس، ۱۳۹۲، «بررسی روند سرمایه اجتماعی در ایران»، *روزنامه دنیای اقتصاد*، شماره ۳۱۲۶.

۲۸. نش، کیت، ۱۳۸۰، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر*، ترجمه محمد تقی دلفروز، کویر، چ اول.
۲۹. هوارث، دیوید، ۱۳۷۷، «نظریه گفتمان»، ترجمه علی اصغر سلطانی، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال اول، شماره دوم.
30. De. vos, p, 2003, *Discourse Theory and The study of Ideological, (Transformation): Analyzing social Democratic Revisionism*, In Journal of pragmatics, 13(1).
31. Foucault, m, 1989, *The history of sexuality: an introduction*, Trans, r. Hurley. Penguin: harmonds worth.
32. Laclau. E and Mouff, 1987, *post- marksism without apologies*, New left review.
33. \_\_\_\_\_ , c, 1985, *hegemony and socialist strategy: to ward a radical democratic politics*, London: verso.
34. Morreall.J, 1976, "The justifiability of violent civil disobedience", *Canadian Journal of Philosophy*, (1).
35. Smith, Annemarie, 1998, *laclau and Mouffe The radical democratic imaginaty*, London and newyork.

Archive of SID